



3 اپریل 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

چرا اصطلاح "بین الافغانی" را به "میان افغانستانی" تعدیل کرد؟

روزنامه "هشت صبح" یکی از روزنامه های معتبر و پر تیراژ افغانستان است که در آن هر روز بطور منظم تحلیل های پرمحتوا و گزارشات مهم در باره تازه ترین رویدادهای داخل و خارج کشور بوسیله همکاران صاحب نظر و صاحب قلم آن روزنامه به نشر میرسد. این شایق اخبار را عادت بر آن شده که هر روز سری به بعضی نشرات و وبسایت های داخلی و خارجی کشور بزند تا از جریان مسائل آگهی یابد و چشم و ذهنش با مطالب جدید آشنا شود، از جمله یکی هم روزنامه هشت صبح است که از مطالعه اکثر نوشته های آن فیض می برد. یکی از نویسندگان پرکار، دقیق و عمیق آن روزنامه وزین، محترم آقای فردوس است که شخصاً علاقمند مطالعه نوشته های پرمحتوای شان بوده و ناخوانده از آن نمی گذرم.

در این ارتباط باید بعرض برسانم که من با سبک تحریر و استفاده از کلمات و طرز نوشتن مقالات منتشره در رسانه ها کاری ندارم، چون میدانم در داخل کشور از مدتیست که شیوه تحریر با آنچه ما در سابق می نوشتیم، فرق کرده است. ما سالخوردگان اکثراً با همان شیوه و ادبیات چند دهه قبل عادت کرده و از همان کلمات معمول آنوقت استفاده میکنیم و در صدد نوآوریها در جمله بندی و ترکیب کلمات نیستیم. استفاده از کلمات مانوس و معمول در کشور و آنچه در رسمیات و بین مردم رایج است، خواهی نخواهی در زبان و نوشتار ما نسل سالخورده تبلور می یابد و نیز در صدد زدودن کلمات عربی و جانشین ساختن حتمی آن با معادل دری و یا فارسی نیستیم و اکثر ما طور مثال "ء" را با "ی" تعویض نمیکنیم و می گذاریم هر نویسنده را با شیوه تحریرش. با آنهم در بعضی موارد حساس ایجاب میکند تا نکاتی را در مورد تعویض بعضی اصطلاحات مهم محترمانه در میان گذاشت.

با این مقدمه می آیم به موضوع اصلی که در نوشته اخیر محترم آقای فردوس به تکرار ذکر یافته و آن استعمال کلمه "میان افغانستانی" بجای اصطلاح معمول و دقیق "بین الافغانی" است. ایشان در مقاله اخیر خود تحت عنوان "آیا ارگ به گفت وگویی میان افغانستانی راضی است؟" (منتشره سه شنبه 13 حمل 1398 روزنامه هشت صبح) بر علاوه عنوان در چندین جا این اصطلاح جدید را به تکرار بکار برده اند که طور نمونه بعضی قسمت های آن نوشته را ذیلاً اقتباس میدارم:

آقای فردوس می نویسند: «داکتر خلیل زاد دیروز در کابل با شماری از مقام های بلندپایه‌ی مرتبط به مذاکره با طالبان دیدار و گفت‌وگو کرد. خلیل‌زاد در این سفر تلاش می‌کند تا ضمن کسب حمایت رییس‌جمهور غنی از گفت‌وگوهای میان افغانستانی، اختلاف‌های ارگ و واشنگتن در مورد مذاکره با طالبان را تعدیل کند. ارگ از گفت‌وگوهایی که اصطلاحاً دیالوگ میان افغانستانی خوانده می‌شود، استقبال نمی‌کند. ارگ و مؤتلفان سیاسی محمدشرف غنی به این باوراند که حکومت افغانستان از نیروهای سیاسی و تمام افغان‌ها نمایندگی کرده می‌تواند و نیازی به گفت‌وگوهای میان افغانستانی که مصداق بیرونی آن مذاکره‌ی طالبان با گروه‌ها است، احساس نمی‌شود. ارگ از این نوع گفت‌وگوها به پارچه‌پارچه شدن افغانستان تعبیر می‌کند. این بحث را رییس‌جمهور غنی اساس کمپین انتخاباتی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

خودش نیز قرار داده است. او همیشه می‌گوید که تنها گفت‌وگویی نتیجه‌بخش است که حکومت از جانب تمام مردم افغانستان با طالبان مذاکره کند، نه گروه‌های سیاسی.»

در ادامه باز هم آقای فردوس می‌نویسند: «برخی از نیروهای سیاسی داخلی هم به دیپلمات‌های خارجی گفته‌اند که حکومت وحدت ملی نمی‌تواند از آنان نمایندگی کند. به همین دلیل است که دیپلمات‌های امریکایی و اروپایی بر گفت‌وگوهای **میان افغانستانی** تأکید دارند..... دیپلمات‌های کشورهای کمک‌کننده که در روند مذاکره با طالبان فعال‌اند، به این عقیده هستند که حتی اگر منزلت حکومت در گفت‌وگو با طالبان در حد یک جناح هم سقوط کند، باید گفت‌وگوهای **میان افغانستانی** صورت بگیرد.»

ایشان در پراگراف بعدی چنین می‌افزایند: «شاید آقای خلیل‌زاد و رییس‌جمهور غنی در روزهای اخیر، بحث‌های بسیار طولانی و سخت در مورد گفت‌وگوهای **میان افغانستانی** داشته باشند. از نظر ایالات متحده، اقدامات قاطع در جهت جدایی طالبان از القاعده، خروج نیروهای امریکایی، گفت‌وگوهای **میان افغانستانی** و آتش‌بس جامع، چهار عنصر کلیدی است که بدون هریک از آنان روند حل سیاسی جنگ افغانستان موفق نخواهد شد. اگر گفت‌وگوهای طالبان با گروه‌های سیاسی افغانستان در قطر برگزار شود، آنچه که گفت‌وگوهای **میان افغانستانی** خوانده می‌شود، تحقق خواهد یافت.»

اما آقای فردوس وقتی از خبرنامه ریاست اجرایی که روز دوشنبه، دوازدهم حمل نشر شده، از سخنان آقای خلیل‌زاد نقل قول میکند، به مقصد رعایت امانتداری اقتباس نمی‌خواهد اصطلاح معمول "بین الافغانی" را با "میان افغانستانی" خودش تعویض کند، چنانچه تذکار میدهد: «مذاکرات **بین الافغانی** همه‌شمول، آتش‌بس و دست‌یافتن به صلح با توافق تمام افغان‌ها از مؤلفه‌های اصلی این مذاکرات به شمار می‌روند و در تلاش هستیم تا مذاکرات **بین الافغانی** همه‌شمول آغاز گردد.»

سپس در پراگراف اخیر ایشان بار دیگر به ذکر "میان افغانستانی" بجای "بین الافغانی" می‌پردازند و می‌نویسند: «روشن است که آقای خلیل‌زاد هم به عنوان یک دیپلمات امریکایی آرزو دارد که جمهوری‌خواهان دوباره انتخابات ریاست جمهوری امریکا را ببرند. اگر او در مأموریت حل سیاسی جنگ افغانستان دست‌آورد داشته باشد، امکان صعود او در مناسبات قدرت در ایالات متحده بیش‌تر می‌شود. به همین دلیل است که اداره‌ی ترمپ و خلیل‌زاد تلاش می‌کنند گفت‌وگوهای **میان افغانستانی** زودتر آغاز شود..... اما تلاش دیپلمات‌های امریکایی در کابل متمرکز بر این است که هرچه زودتر دیالوگ **میان افغانستانی** بین جناح‌های گوناگون سیاسی با طالبان آغاز شود.»

هدف از نقل قول‌های مذکور که با اختصار در بالا درج شده‌اند، همانا عطف توجه به استعمال کلمه "میان افغانستانی" به حیث یک اصطلاح جدید بجای اصطلاح معمول و با مفهوم قدیمی و مانوس "بین الافغانی" است که این اصطلاح جدید را میتوان به دو مفهوم مورد بررسی قرار داد:

یک - به دلیل اینکه کلمه "بین الافغانی" یک ترکیب عربی است و به شیوه جدید بعضی‌ها می‌خواهند آنرا به دری یا فارسی تعویض کنند، یعنی بجای "بین" از "میان" کار گرفته و ربطیه "ال" عربی را از بین بردارند. تا اینجا فرق نمیکند که اگر بجای بین الافغانی "میان افغانی" گفته شود؛

دو - اما تعویض "افغانی" به "افغانستانی" سخن را به سمت دیگر می‌برد که قبلاً در نوشته‌های آقای فردوس شخصاً به چنین چیزی برخورد کرده بودم. فقط دو ماه قبل در یکی از نوشته‌های ایشان برای بار اول به استعمال این اصطلاح جدید "میان افغانستانی" متوجه شدم و در یک نوشته خود غیرمستقیم به

آن اشاره کردم، ولی این بار ذکر مکرر آن مرا واداشت تا کمی با تفصیل در زمینه یادآور شوم و آنهم به دو دلیل: یکی اینکه اصطلاح "افغانستانی" بجای "افغان" بیشتر بوسیله کسانی استعمال میگردد که زیر تأثیر زبانزد ایرانی ها قرار گرفته و به تقلید آنها بجای "افغان" که معمول همه جا و نیز تسجیل یافته در قوانین افغانستان برای هر یک از اتباع افغانستان مشخص و معمول شده است، اتباع افغانستان را "افغانستانی" می نامند. تقلید از ایرانی ها در این موضوع آنهم بوسیله نویسندگان سرشناس و با احساس کشور خدای ناخواسته سوء تعبیری را ایجاد خواهد کرد که به مقام ارجمند ملی شان صدمه خواهد رسانید.

دیگر اینکه طی چند سال اخیر به روی تعصب قومی عده ای چنین می پندارند که گویا کلمه "افغان" مختص بیک قوم و آنهم مرادف با قوم "پشتون" است، لذا آنها ادعا دارند که کلمه "افغان" دربر گیرنده تمام اقوام به حیث اتباع کشور نبوده و سائر اقوام را در هویت خاص یک قوم خلاصه می سازد. آنها به آنچه در اولین قانون اساسی افغانستان (سال 1301ش) تا امروز در همه قوانین اساسی بعدی قید و تصریح یافته است (*)، بی باور اند و حتی این عده به همین دلیل به تغییر نام "افغانستان" به نام قدیم تاریخی "خراسان" که حدودش متغیر و اکنون غیر قابل تثبیت میباشد، اصرار دارند. البته باید گفت که این احساس و این ادعا فقط در محور فکری یک تعداد محدود اشخاص میچرخد که همه ایشان را با نام و نشان می شناسند. گمان نمیرود که شخصیت آگاه و قلم بدست با احساس کشور آقای فردوس در این جمله شامل باشند. لذا در این مختصر خواستم با خلوص نیت توجه جناب شانرا به این موضوع حساس جلب دارم. امید است این تذکر ارادتمندانه موجب سوء تعبیر نگردد. با عرض حرمت.

(* ماده هشتم قانون اساسی 1301 تصریح میکند که: «همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند، بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند. صفت تابعیت افغانیه مطابق نظامنامه مخصوص استحصال یا اضاعه کرده میشود.» [مقصد از جمله دوم اینست که: کسب و یا از دست دادن ملیت افغانی به اساس مواد نظامنامه خاص صورت میگیرد - کاظم]

قانون اساسی 1309 ماده 9: «همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند، بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند. صفت تابعیت افغانیه مطابق اصولنامه تابعیت استحصال یا اضاعه میشود.»

قانون اساسی 1343 ماده اول بند دوم: «ملت افغانستان عبارتست از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند؛ بر هر فرد از افراد مذکور کلمه افغان اطلاق میشود.»

قانون اساسی جمهوری 1355 ماده بیست و یکم - بند دوم و سوم: «ملت افغانستان عبارتست از تمام افرادی که تابعیت دولت افغانستان را مطابق باحکام قانون دارا باشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق میشود.»

قانون اساسی جدید 1382، ماده چهارم - بند دوم، سوم و چهارم: «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سائر اقوام میباشد. بر هر فردی از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق میشود.»

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ